«آرمان ملی» افزایش تخصیص بودجه به نهادهای خاص را بررسی می‌کند

معیشت مردم مهم‌تر از بودجه برخی نهادها

فیاض زاهد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: رئیس جمهور با حمایت رهبری بودجه نهادهای بی‌ربط را کاهش دهد

آرمان ملی- حمید شجاعی: «تا دل‌تان بخواهد موسسات و بنیادهایی داریم که هیچ برون‌دادی ندارند، اما به آنها پول می‌دهیم؛ بعد از این طرف نمی‌توانیم معیشت مردم را تأمین کنیم. به یکی پول می‌دهیم که نباید بدهیم، بعد به آن یکی پولی نیست که بدهیم.» این بخشی از انتقادات رئیس جمهور پزشکیان در شهریورماه سالجاری از بودجه نهادها و دستگاه‌های بی‌ثمر بود که در زمان خود بسیار نیز مورد توجه قرار گرفت. اما آن زمان همه این هشدار را به مسعود پزشکیان دادند که در موعد تقدیم بودجه در اوایل دی‌ماه این موضوع را لحاظ کند و با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، کسری بودجه‌ای که وجود دارد و... بر خلاف دولت‌ها و روسای جمهور پیشین لایحه را با اصلاحاتی مشخص و شفاف به مجلس ارائه دهد. واقعیت نیز همین است که طی سال‌ها و دهه‌های گذشته شاهد بسیاری از نهادهایی بوده‌ایم که بودجه چند هزار میلیاردی دریافت می‌کردند، اما کوچکترین برون‌دادی نداشتند. روندی تا امروز نیز ادامه داشته و همه دولت‌ها خواه، ناخواه این روند را پیش گرفته‌اند. جالب اینکه خود دولت از کسری بودجه و مشکلات درآمدی کشور آگاه است و می‌داند که در شرایط تحریمی که حال اقتصاد کشور خوب نیست، باید از هزینه‌های غیرضرور کاسته شود و بودجه به طور مشخص و دقیق به ضروریات تخصیص داده شود. چرا که نمی‌شود به فلان نهادی که شاید سالانه هیچ خبری از آن نشود چند هزار میلیارد اختصاص داده شود، اما مثلا سازمان محیط زیست از امکانات به روز برای اطفای حریق جنگل‌های الیت برخوردار نباشد و دست به دامن همسایه‌ها شود. مساله‌ای که بارها و در دولت‌های مختلف بدان اشاره کردیم بحث اولویت‌بندی در تخصیص بودجه و مهم‌تر از آن چرایی تخصیص بودجه به یک نهاد خاص است. اما متاسفانه هر سال به جای اینکه بودجه اینگونه نهادها اصلاح و مدیریت شود، شاهد افزایش چند درصدی نسبت به سال قبل بوده‌ایم. هیچ نهاد ناظری هم طی این همه سال نبوده که پیگیری کند نهادهایی که این بودجه‌های چند هزار میلیاردی را دریافت می‌کنند تا کنون چه عملکرد مثبت معطوف به مشکلات جامعه و مردم داشته‌اند که همچنان مشمول دریافت بودجه‌های کلان می‌شوند. به واقع اگر بخواهیم عملکرد برخی از این نهادها را بررسی کنیم و تاثیر آن بر جامعه را مورد مطالعه قرار دهیم بودجه بسیاری از آنها نه تنها افزایش بلکه باید به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد. چرا که اگر همین هزینه به مسائل زیربنایی، حل مشکلات اقتصادی یا طرح‌های نیمه‌کاره اختصاص داده می‌شد حداقل سودی که داشت شاهد اتمام این طرح‌ها یا دست‌کم میزانی از رضایتمندی جامعه بودیم. پرسش این است در شرایطی که میزان افزایش حقوق کارمندان و کارگران تقریبا نصف تورم جاری در کشور است، از چه رو باید بودجه چنین نهادهایی افزایش داشته باشد؟

معیشت مردم

نگاهی به بودجه برخی از نهادهای بودجه‌بگیر بی‌اثر نشان می‌دهد که آنها حتی گزارشی از عملکرد سالانه خود به جامعه ارائه نکرده و صرفا نشسته‌اند که بودجه بی‌حرف و حدیث و حساب و کتاب برایشان واریز شود. در حالی‌که روال عادی کار این است که دستگاهی که به مردم خدمت واقعی ارائه دهد، باید از بودجه بهره‌مند شود و دستگاهی که عملکردی نداشته باشد، اساسا نباید اعتباری دریافت کند. این نکته‌ای است که رئیس جمهور نیز بدان اشاره داشته که نهادهای بی‌ثمر چرا باید بودجه دریافت کنند. هر چند برای اینکه محل هزینه‌کرد اینگونه بودجه‌ها تا حدی روشن شود، شاهد برگزاری گاه و بیگاه همایش‌ها و سمینارهایی با موضوعات مختلف هستیم که هزینه‌های زیادی هم در آنها می‌شود تا حداقل بخش بسیار کوچکی از بودجه تخصیص داده شده صرف این امور گردد. کافی است نگرشی به بودجه برخی نهادها در سال آینده داشته باشیم تا مشخص شود در این شرایط سخت اقتصادی کشور، دولت با چه منطقی این اعداد را با افزایش چند درصدی به این نهادها پرداخت می‌کند؟ در موضوع صداوسیما هم برخی شائبه‌ها وجود دارد که چرا باید به سازمانی چنین بودجه هنگفتی داده شود اما در برابر عملکردش پاسخگو نباشد. به عبارت دیگر مساله اختصاص بودجه به نهادها، ذیل مفهوم شفافیت قرار می‌گیرد. هر نهادی که از بودجه عمومی کشور سهمی دریافت می‌کند باید در برابر آن نسبت به عملکردش پاسخگو باشد و لازم است فعالیت‌هایش را شفاف به مردم گزارش کند. در حال حاضر به صداوسیما انتقادات زیادی به لحاظ مدیریتی، کارکردی و عملکردی وارد می‌شود و از آنجا که رویکردی سخت و سیاسی نسبت به دولت دارد، برخی سهم ۳۳ هزار و ۵۱۲ میلیارد تومانی این سازمان را که نسبت به سال گذشته افزایش داشته، منطقی نمی‌دانند. این در شرایطی است که تورم سنگین؛ افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و وضع بغرنج معیشتی جامعه و افزایش کم حقوق حتی کمتر از نیمی از تورم فعلی این نکته را به دولت یادآوری می‌کند که با اینگونه تخصیص بودجه شرایط را برای اعتراض و نارضایتی جامعه در آینده فراهم می‌کند و باید به جای افزایش بودجه نهادهای خاص معیشت مردم و افزایش حقوق را در اولویت قرار دهد.

پیشنهاد به رئیس جمهور

یک فعال سیاسی در خصوص افزایش بودجه نهادهای خاص در شرایط مشکلات معیشتی جامعه اظهار داشت: این نهادها به‌تدریج به مراکزی برای جلب ثروت تبدیل شدند چنانکه هر کسی یا هر حوزه‌ای برای خود ماموریتی تعریف کرد. یکی خود را مسئول امر به معروف خواند و دیگری گفت من مسئول حجابم و... و سال به سال با توجه به اینکه اساسا دولت‌های نفتی دولت‌های پاسخگویی هم نبودند در نتیجه لابی و گفت‌وگو با دولت‌های مستقر سهم‌شان هر سال افزایش پیدا کرد و به جایی رسید که در واقع تبدیل به یک نهاد قدرتمند از نظر بروکراسی شدند. فیاض زاهد به «آرمان ملی» گفت: گروه‌های ذی‌نفوذ و قدرتمندی که یک پا در ساختار سیاسی موجود و یک پا در دل نهادهای اقتصادی خودشان دارند و بر تصمیم‌سازی تصمیم‌گیری‌های دولت، نظام سیاسی و مجلس اثرگذار هستند و مبارزه با آنها هزینه‌بر است، قدرت برانگیزانندگی اجتماعی در سطح محدود و رسانه دارند. وی افزود: الان از این دست آدم‌ها، نهادها و گروه‌ها بسیار پیدا می‌شوند و هیچ اراده هم برای برخورد با آنها نیست. لذا دولت‌ها که سر کار می‌آیند ابتدا با شعارهای خیلی خوب، پرطمطراق و دهان پرکن می‌آیند؛ اما وقتی می‌خواهند به جنگ با اینها بروند می‌بینند کار خیلی سخت است. این استاد دانشگاه بیان کرد: دولت‌ها فکر می‌کنند اگر انرژی خود را صرف مبارزه با اینها کنند از اهداف بلندتری که می‌خواهند دنبال کنند باز می‌مانند و همین‌جا خطای استراتژیک رخ می‌دهد. یعنی یک رئیس جمهوری که معتقد است که اساسا نباید به این نهادها کمک‌های بلاعوض یا بدون حساب و کتاب کرد، ولی می‌گوید من اگر الان بخواهم با اینها وارد درگیری شوم نمی‌توانم آن کارهایی را که می‌خواهم به عنوان یک رئیس جمهور یا صاحب دولت به پیش ببرم و من باید به اینها حق‌السکوت بدهم تا با سهم خود مشغول باشند و از آن تتمه ثروت ملی برای پیشبرد اهداف ملی استفاده کنم؛ اما این خطاست. زاهد اظهار کرد: آنها نه تنها قدردان نیستند و تبدیل به عناصر همراه نمی‌شوند بلکه از این توان مضاعفی که در اختیارشان قرار داده می‌شود برای تخریب، مزاحمت بیشتر و کارشکنی استفاده می‌کنند. وی عنوان کرد: از آنجایی‌که جزئیات در هر امری نشانه‌های بسیار قدرتمندی از تمایل و اراده شماست اگر جامعه ببیند که شما وقتی شعار عدالت، مبارزه با رانت‌خواری و شفافیت می‌دهید اما میلیاردها تومان در سال معلوم نیست به چه نهادها و گروه‌هایی اختصاص پیدا می‌کند، تتمه اعتبار و اعتماد اجتماعی شما هم از بین خواهد رفت. فیاض زاهد در پیشنهادی به رئیس جمهور تصریح کرد: پیشنهادم این است که آقای پزشکان خدمت مقام رهبری بروند و گزارش صریح و دقیقی از وضعیت مخارج، هزینه‌ها و بحران‌هایی که دولت با آنها درگیر است، ارائه کنند و اجازه بگیرند که با پشتیبانی و حمایت ایشان کاهش تدریجی بودجه نهادهایی را آغاز کنند که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. چون اگر رئیس جمهور بخواهد همین امشب بودجه همه اینها را قطع کند مطمئن باشید یکماه هم دوام نیاورده و دولتش را ساقط خواهند کرد و این اعتراف بسیار سخت و هولناکی است.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی اظهارات نمایندگان مجلس را بررسی می‌کند

مخالفت رادیکال با مذاکرات منصفانه

حسین کنعانی مقدم: تندروها باید منافع ملی را درک کنند

آرمان ملی- گروه سیاسی: در شرایط پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی، موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به یکی از محورهای اصلی بحث‌های سیاسی و رسانه‌ای کشور تبدیل شده است. موضوعی که به‌طور مستقیم با امنیت ملی، وضعیت اقتصادی و جایگاه بین‌المللی ایران پیوند دارد. از این رو، نوع نگاه به مذاکره و نحوه مواجهه با آن باید بر اساس عقلانیت، مصلحت‌اندیشی و منافع ملی شکل بگیرد، نه هیجان‌های مقطعی یا رقابت‌های سیاسی داخلی. بسیاری از مسئولان نظام، از جمله چهره‌هایی مانند علی لاریجانی و عباس عراقچی، بارها تاکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی از مذاکره منصفانه، محترمانه و برابر استقبال می‌کند، اما مذاکره‌ای که مبتنی بر فشار، تهدید یا تحمیل خواسته‌های یک جانبه باشد را نمی‌پذیرد. مذاکره زمانی می‌تواند مفید و سازنده باشد که در چارچوب احترام متقابل و رعایت حقوق طرفین انجام شود و به تأمین منافع ملت ایران منجر گردد، نه آنکه ابزاری برای محدودسازی یا تضعیف کشور باشد. در مقابل این رویکرد متعادل، برخی جریان‌های تندرو که تریبون‌های مجلس را در اختیار دارند، هر نوع گفت‌وگو را با واکنش‌های رادیکال، ادبیات تقابلی و نفی مطلق پاسخ می‌دهند. این رفتارها نه تنها کمکی به تقویت موقعیت کشور در عرصه بین‌المللی نمی‌کند، بلکه در مواردی می‌تواند پیام‌های متناقض به خارج منتقل کرده و دست دیپلماسی کشور را ببندد. از این رو، ضروری است فضای داخلی کشور به سمت آرامش، گفت‌وگوی کارشناسی و پرهیز از افراط حرکت کند تا امکان دفاع هوشمندانه از منافع ملی و پیشبرد دیپلماسی عقلانی و عزتمندانه فراهم شود. در همین مورد به اظهارات مورگان اورتگاس، نماینده آمریکا در شورای امنیت اشاره می‌کنیم که اعلام کرد: «واشنگتن فقط حاضر به مذاکرات مستقیم با ایران است و تهران «حق غنی‌سازی در خاک خود» را ندارد.» در ادامه امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان ملل، به این مواضع واکنش نشان داد و گفت: «این رویکرد نشان می‌دهد طرف آمریکایی به‌دنبال گفت‌وگوهای منصفانه نیست، بلکه قصد دارد نیات از پیش تعیین‌شده خود را بر ایران تحمیل کند.» چیزی نگذشت که تندروهای مجلس به این موضوع واکنش نشان دادند که به آنها اشاره خواهیم کرد. در همین مورد با یکی از تحلیل‌گران سیاسی در مورد چگونگی ورود تندروها به سیاست خارجی اشاره خواهیم کرد.

تندروها و منافع ملی

حسین کنعانی مقدم، تحلیل‌گر سیاسی در واکنش به اینکه تندروها همواره تلاش دارند که بر سیاست خارجه سایه بیندازند و اجازه مذاکره و روابط دیپلماتیک را نمی‌دهند، به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «سیاست خارجی هر کشور یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین حوزه‌های حکمرانی به‌شمار می‌رود. چرا که مستقیما با امنیت ملی، منافع راهبردی، جایگاه بین‌المللی و آینده اقتصادی و سیاسی کشور ارتباط دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز، مطابق قانون اساسی و ساختار نظام، سیاست‌های کلان کشور در این حوزه با هدایت و هماهنگی مقام معظم رهبری تعیین و اجرا می‌شود و همه ارکان حاکمیت موظف هستند، در چارچوب این سیاست‌ها عمل کنند. این هماهنگی، ضامن انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و جلوگیری از چندصدایی در موضوعات حیاتی کشور است و از بروز پیام‌های متناقض در عرصه بین‌المللی جلوگیری می‌کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هرگاه سیاست خارجی بر مبنای عقلانیت، مصلحت‌اندیشی و توجه دقیق به منافع ملی پیش رفته، توانسته است از ظرفیت‌های جهانی برای پیشرفت کشور بهره بگیرد و از تهدیدها فرصت بسازد. منافع ملی مفهومی فراتر از سلایق جناحی و اختلافات سیاسی است و باید محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها در حوزه روابط خارجی باشد. حفظ عزت، حکمت و مصلحت در تعامل با جهان، نه تنها اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، بلکه چارچوبی است که می‌تواند کشور را از تنش‌های غیرضروری دور نگه دارد و زمینه‌ساز ثبات و پیشرفت شود.» او در همین مورد و با تذکری به تندروها ادامه می‌دهد: «در کنار سیاست خارجی، سیاست داخلی نیز نیازمند آرامش، عقلانیت و همکاری سازنده میان نهادهای مختلف است. کشور در شرایطی قرار دارد که با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی متعددی مواجه است و عبور از این چالش‌ها جز با همدلی و تعامل میان دولت، مجلس و سایر قوا ممکن نیست. تقابل‌های فرسایشی، منازعات رسانه‌ای و رقابت‌های سیاسی تند، نه تنها کمکی به حل مسائل مردم نمی‌کند، بلکه انرژی نظام را صرف حاشیه‌ها کرده و از تمرکز بر اولویت‌های واقعی بازمی‌دارد. مجلس به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری و نظارت، و دولت به‌عنوان نهاد اجرایی، اگر با درک مشترک از شرایط کشور و با هدف حل مشکلات مردم حرکت کنند، می‌توانند بسیاری از گره‌ها را بگشایند. همکاری، گفت‌وگو و تعامل منطقی میان این دو نهاد، لازمه اداره صحیح کشور و پاسخ‌گویی به مطالبات جامعه است. آرامش در فضای سیاسی داخلی، همراه با انسجام در سیاست خارجی، دو بال اساسی برای حرکت کشور به سوی ثبات، توسعه و ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان به‌شمار می‌آید. بر این اساس بهتر است تندروها در تلاش برای بهبود وضعیت داخلی باشند و بیش از این در سیاست خارجه تلاش به برهم‌زدن فضا نداشته باشند و در زمان کنونی برای تامین منافع ملی تلاش بیشتری انجام دهند.»

واکنش تندروهای مجلس

همانطوری که اشاره کردیم گویی تندروها در انتظار واکنشی به آنچه مذاکرات منصفانه خوانده می‌شود، بودند. در این مورد مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران در مجلس شورا در تذکری اظهار داشت: «ما موظف هستیم از استقلال ملت ایران حفاظت کنیم. اینکه نماینده ایران در سازمان ملل متحد بگوید آماده هرگونه مذاکره منصفانه هستیم، با کدامیک از سیاست‌های کلی نظام انطباق دارد آن هم در پاسخ به نماینده پلید آمریکا که صراحتا گفته ایران باید مذاکره مستقیم داشته باشد و نباید غنی‌سازی انجام دهد؟ شما به‌عنوان رئیس قوه مقننه کشور وظیفه دارید که جلوی این‌گونه اظهارات را بگیرید. یکبار دیگر هم همین صحبت‌ها را مطرح کردم آن روز، وضعیت کشور را ببینید و امروز ببینید به کجا رسیده‌ایم. نتیجه این وادادگی‌ها همین است. ما نیاز به مذاکره با گرگ نداریم و اصلا آمادگی مذاکره با گرگ را نداریم و نمی‌خواهیم. مذاکره منصفانه با آمریکا چه معنایی دارد آن هم بعد از این همه حملاتی که به ما شده است؟» در ادامه همین اظهارات نوبت به نماینده تندرو دیگر می‌رسد. مجتبی زارعی، نماینده تهران، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی نوشت: «برادر گرامی جناب دکتر عراقچی؛ الحمدا... امانتداری‌تان در سیاست خارجی نظام محرز است اما اعلام نابهنگام آمادگی مذاکره با آمریکای جنایتکار خلاف شأن قدرت ملی است؛ راستی مگر بنا نبود ماموریت جناب ایروانی در سازمان ملل پایان یابد؟ او حرف‌های خوب بلد است اما قدرت تشخیص‌اش کم است.»

ذره بین

ابرچالش‌های تهران زیرسایه مدیریت نمایشی

بن‌بست زاکانی در خیابان بهشت

دولت و مجلس، ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار را حذف کردند و این یعنی انتخاب دوباره زاکانی به‌عنوان شهردار رسما غیرقانونی است. زاکانی با مدرک پزشکی هسته‌ای و با جنجال‌های زیاد پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به شهرداری رسید. اقتصادآنلاین نوشت؛ حالا با گذشت بیش از چهار سال، کارنامه شهرداری او به اندازه مدرک تحصیلی‌اش بی‌ارتباط با مشکلات و چالش‌های اساسی تهران است. در حالی‌که پایتخت درگیر ابرچالش‌های آب، هوا، ترافیک شهری و پسماند است، زاکانی ترجیح داده تا پروژه‌های سطحی، تبلیغاتی و نمایشی را پیش ببرد که بیش از مردم، نفع شخصی خود را در آنها می‌بیند.

بن‌بست زاکانی در بهشت

هرچند اصلاحات جدید راه فرار قانونی برای شهرداران فاقد تخصص مرتبط را مسدود کرده است، اما اخبار رسیده حکایت از آن دارد که تلاش‌های پشت‌پرده برای شکستن این سد قانونی و ابقای زاکانی همچنان ادامه دارد. حتی گفته شده که زاکانی برای تغییر قانون با رئیس جمهور نیز دیدار داشته است. مهدی اقاریان، عضو شورای شهر تهران، این تلاش‌ها را تایید کرده و آن را آزمونی بزرگ برای دولت پزشکیان می‌داند تا مشخص شود آیا قانون فدای فشار لابی‌های سیاسی خواهد شد یا خیر. زاکانی در سال ۱۴۰۰ نیز با حاشیه‌های بسیار بر کرسی شهرداری پایتخت تکیه زد. در آن مقطع نیز مدرک زاکانی طبق قانون غیرمرتبط بود، اما یک تبصره او را نجات داد. حالا دولت با پیشنهاد مجلس این تبصره را که سابقه اجرایی را به‌عنوان جایگزین مدرک غیرمرتبط می‌کرد، حذف کرده است.

تهران و حکمرانی نمایشی

فراتر از بحث‌های قانونی اما، آنچه بیش از همه پایان دوره زاکانی را ضروری جلوه می‌دهد، نحوه اولویت‌گذاری و سیاست‌گذاری او در اداره شهر است. منتقدان می‌گویند که تهران در این دوره گرفتار حکمرانی نمایشی شده است. شهرداری و البته استانداری تهران به‌جای تمرکز بر دردهای مزمن پایتخت نظیر بحران آب، آلودگی هوا، ترافیک شهری و مدیریت پسماند، توان خود را صرف رنگ‌آمیزی جداول، آسفالت‌ریزی‌های بی‌هدف و نصب بیلبوردهای تبلیغاتی با مضامین سیاسی کرده است. کارشناسان می‌گویند سیاست‌گذاری‌های زاکانی نه تنها باری از دوش شهر برنداشت، بلکه با تراکم‌فروشی و نادیده‌گرفتن اصول شهرسازی، تنفس را برای پایتخت‌نشینان دشوارتر کرد. این یعنی در حالی‌که شهرداری باید متولی توسعه پایدار شهر باشد، تبدیل به نهادی برای اجرای نمایش‌های تبلیغاتی شده که آینده سیاسی شهردار را هدف قرار داده است.

غفلت از مشکلات پایتخت

مساله آب یکی از بحران‌های اصلی پایتخت است. اخبار رسیده حکایت از آن دارد که ۷۰ درصد از آب مورد نیاز پایتخت از طریق چاه تامین می‌شود. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند تا چند سال دیگر تهران نیز درگیر بحران فرونشست زمین خواهد شد. از سوی دیگر طبق آمار رسمی شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، در سال ۱۴۰۳ تهران تنها ۷ روز هوای پاک داشته است. این آمار نشان می‌دهد که تهرانی‌ها در سال ۱۴۰۳ به‌طور متوسط در هر ۵۲ روز فقط یک روز هوای پاک استشمام کردند. ترافیک شهری سومین چالش و معضل اساسی پایتخت است که شهرداری صرفا با اقدامات نمایشی مثل افتتاح پل و تونل و جاده سعی در حل آن دارد. در حالی که ترافیک تهران نیازمند توسعه حمل‌ونقل عمومی است. تهران به حداقل ۱۱ هزار اتوبوس برای حمل‌ونقل عمومی نیاز دارد، اما فقط ۳ هزار و ۲۰۰ اتوبوس در تهران فعال هستند. یکی دیگر از خطرناک‌ترین وجوه مدیریت فعلی، ساده‌انگاری در برابر خطرات بنیادین تهران است. اظهارنظر عجیب زاکانی مبنی بر اینکه «۳۰۰۰ سال است در تهران زلزله شدید نیامده»، نشان‌دهنده عمق فاصله مدیریت شهری با واقعیت‌های علمی دارد. این در حالی است که به گفته متخصصان، خطر زلزله تهران بسیار ویرانگر است و در شرایط فعلی می‌تواند زیرساخت‌های حیاتی شهر را نابود کند.

توقف سکوی پرش به پاستور

ضعف عملکرد زاکانی حتی حامیان سنتی او را نیز پراکنده کرده است. شورای شهر تهران که روزگاری حامی او بود، اکنون به صحنه انتقادات علیه شهرداری زاکانی شده است. شکاف میان طیف قالیباف و زاکانی عمیق‌تر شده و این موضوع، رویای شهردار فعلی برای ابقاء در این سمت و استفاده از شهرداری به‌عنوان سکوی پرش به پاستور را با چالش جدی مواجه کرده است. در این میان، نام‌هایی همچون «مهرداد بذرپاش» برای تصدی احتمالی شهرداری در آینده مطرح می‌شود، اما مساله اصلی تهران تغییر افراد نیست، بلکه تغییر رویکرد است. کارشناسان تأکید دارند: پایتخت نیاز به مدیر اجرایی دیگر با رویکرد سیاسی ندارد. تهران تشنه یک متخصص است که با اولویت‌گذاری درست ابتدا چالش‌های اساسی آن را حل کند و سپس به سمت توسعه پایدار پایتخت گام بردارد.

گزارش

«آرمان ملی» حاشیه‌های صحن بهارستان را تحلیل می‌کند

تئوری‌های جنجالی رسایی برای مهریه

آرمان ملی: تندروها دست بردار نیستند و مواضع‌شان علیه زنان همچنان ادامه دارد. آنان تنها به این دلیل که برخی بانوان کشور حجاب مناسبی ندارند، مواضعی افراطی اتخاذ می‌کنند. این نگاه نشان می‌دهد عمق ذهن آن‌ها اساسا حوزه حقوق زنان در شرع، قانون و عرف را درک نکرده و مهم‌تر از آن نمی‌پذیرند که زن امروز بیش از هر زمانی به‌دنبال حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود است و زمانی‌که صحبت از حقوق زنان مطرح می‌شود، مسائل دیگر موضوعیت ندارد و همه زنان نسبت به تامین حقوق قانونی، شرعی و عرفی خود حساسیت کافی را نشان داده‌اند. به دلیل عدم درک صحیح نیازها و مطالبه‌های زنان، تندروها مواضعی می‌گیرند که نه تنها واقع‌بینانه نیست، بلکه با مطالبات اجتماعی نیز همخوانی ندارد. این رفتارها نشان‌دهنده مقاومت برخی نمایندگان مجلس که در برابر تحولات اجتماعی مواضع غیراصولی می‌گیرند، اغلب این مواضع ریشه در تفکری دارد که حقوق زنان را متناسب با پیشرفت چشمگیر اجتماعی نمی‌بینند.

اظهارات رسایی

حمید رسایی، نماینده طیف تندروی مجلس که پیش از این نیز مواضعی درباره حجاب بانوان اتخاذ کرده و با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شده بود، مجددا بدون توجه به شرایط جامعه سخنانی بیان کرد که بازتاب رسانه‌ای پیدا کرد. رسایی در نشست علنی مجلس گفت: «موضوع مهریه با توجه به جایگاه شرعی‌اش، مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط را در کنار هم معنا می‌دهد؛ یعنی هم مهریه قانون اسلام است، هم نفقه، هم حجاب اسلامی. لازم می‌دانستم بگویم چرا برخی بخش‌های این قوانین پذیرفته می‌شود اما نسبت به بخش دیگر مقاومت می‌کنند». وی در ادامه افزود: «ای‌کاش قانون به‌گونه‌ای بود که اگر کسی کشف حجاب کرد، شکایتی برای عدم پرداخت نفقه یا مهریه مسموع نباشد». این اظهارات در حالی بیان شد که نه تنها با روح عدالت و حقوق زنان در تعارض است، بلکه با اصول فقه شیعه و قوانین موجود ایران نیز مغایرت دارد. نکته عجیب این است که رسایی با وجود اینکه می‌داند مساله حجاب از چه حساسیت‌هایی برخوردار است، بازهم حساسیت‌ها را نادیده می‌گیرد. روشن است که شورای عالی امنیت ملی بنا به حساسیت موضوع ورود کرده و درباره آن تصمیم گرفته است و تنها خود شورای عالی امنیت ملی است که می‌تواند درباره تصمیم خود بازنگری کرده یا آن را ابرام کند.

خلاف شرع و قانون؟

سخنان رسایی از تریبون علنی مجلس نشان می‌دهد که برخی نمایندگان هنوز تفکیک میان خطای شخصی و حقوق شرعی افراد را درک نکرده‌اند. در شرع مقدس اسلام و متون فقهی شیعه، حتی خطا یا گناه یک زن نمی‌تواند سبب سلب حقوق شرعی او شود و این حقوق حتی پس از مرگ به ارث می‌رسد. محدودکردن حقوق زنان بر اساس رفتار یا ظاهر آنان، نه تنها با شرع و قانون مغایرت دارد، بلکه پیامی نادرست به جامعه و به ویژه نسل جوان می‌دهد.

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

اینگونه مواضع، زنان را از مشارکت در جامعه دلسرد می‌کند و موجب کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قانونی خواهد شد. مطالبه‌گری زنان برای حق آموزش، کار، مشارکت سیاسی و امنیت اقتصادی، امری مشروع و قانونی است و هیچ موضع افراطی نمی‌تواند آن را محدود کند. برخی موضع‌گیری‌ها که معمولا از سوی جریان‌های تندرو صورت می‌گیرد، نه تنها حقوق زنان را تهدید می‌کند، بلکه مانع توسعه و پیشرفت اجتماعی نیز می‌شود. اظهارات و اقداماتی از این دست با مبانی شرع، قانون و عدالت اجتماعی مغایرت دارد و پیامدهای منفی بر جامعه زنان خواهد گذاشت. زنان امروز آگاه‌تر و مطالبه‌گرتر هستند و هیچ موضع افراطی نمی‌تواند حق آنان در عدالت اجتماعی، اقتصادی و قانونی را محدود کند و زنان این کشور با حجب و حیایی که دارند می‌توانند فرهنگ غنی این سرزمین را پاسداری کنند.

خبر

احمد میدری:

نگاه رئیس جمهور پزشکیان و دولت پیوند با مردم است

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نشست هم‌اندیشی با دانشجویان فعال در حوزه عدالت شغلی، با ابراز خرسندی از کیفیت آثار و پیشنهادهای ارائه‌شده، با بیان این‌که عدالت شغلی می‌تواند نقطه آغاز یک دگرگونی بزرگ در نابرابری‌های اجتماعی و بسترساز خلق ثروت باشد، اظهار داشت: گزارش‌ها و پیشنهادهای دانشجویان در این حوزه نشان می‌دهد که نگاه انتقادی آن‌ها با ایده‌پردازی و راهکارهای اجرایی همراه است. احمد میدری با تأکید بر این‌که گزارش‌های دانشجویان در حوزه عدالت شغلی فراتر از نقد، صاحب ایده و راهکار است، گفت: تحلیل انتقادی بدون ارائه راه‌حل ضعف محسوب می‌شود و مشارکت مردم می‌تواند موتور تحول اجتماعی و اقتصادی باشد. وی با بازاندیشی در خصوص رویکرد صرفا انتقادی در برخی جریان‌های دانشجویی، افزود: همان‌گونه که دکتر پزشکیان بارها تأکید کرده‌اند، بیان مشکلات ضروری است، اما تحلیل انتقادی بدون راهکار، کافی نیست. ما به نقد صرف نیاز نداریم، بلکه به افرادی نیاز داریم که بتوانند تغییر ایجاد کنند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به رویکرد دولت و رئیس جمهور پزشکیان تصریح کرد: نگاه رئیس جمهور پزشکیان و دولت بر پیوند با مردم است، زیرا مشارکت مردم می‌تواند انرژی‌هایی آزاد کند که منجر به حل مسائل شود. تجربه‌هایی مانند مشارکت مردمی در ساخت مدارس نشان می‌دهد که وقتی اعتماد شکل بگیرد، مردم وارد میدان می‌شوند. میدری عدالت شغلی را «مبنای خلق ثروت» دانست و تصریح کرد: بسیاری از نابرابری‌ها ناشی از مدیریت نادرست و عدم استفاده صحیح از سرمایه انسانی است. اگر دسترسی برابر به شغل فراهم شود، به‌تبع آن دسترسی به آموزش، زیرساخت و فرصت‌های رشد نیز عادلانه‌تر خواهد شد.